

رسالة محمد



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی

رساله دکتری رشته ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان رساله

تصحیح و مقابله‌ی دیوان خواجه حسین ثنایی مشهدی همراه با شرح احوال وی و تعلیقات

استاد راهنما
دکتر ابوالقاسم رادفر

استادان مشاور
دکتر محمود مدبری
دکتر محمدرضا صرفی

پژوهشگر
خورشید قنبری نینز

بهمن‌ماه ۱۳۹۰

مہر آئین

سپاسگزاری :

از استاد ارجمند دکتر ابوالقاسم رادفر که سالها از محضر مبارکشان فیض برده‌ام سپاسگزارم. بی‌شک اگر راهنمایی‌ها و شفقت‌های پدران‌ه‌ی ایشان نبود این تلاش به فرجام نمی‌رسید. از استاد فاضل و بزرگوار دکتر محمود مدبری قدردانی می‌کنم، راهنمایی‌ها و پیگیری‌های مکرر ایشان همواره راهگشای بنده بود.

از یاری‌های استاد گرانقدر دکتر محمدرضا صرفی که جامع علم و اخلاق است سپاسگزاری می‌نمایم. بر خود فرض می‌دانم از دیگر استادان بزرگوار خود که در طی این سالها خوشه‌چین خرمن علم و معرفتشان بوده‌ام تشکر نمایم: دکتر محسن ابوالقاسمی، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، دکتر تقی پورنامداریان، دکتر سیدحمید طیبیان، دکتر عبدالحسین فرزاد، دکتر حسین نجف دری و دکتر فیروز حریرچی.

شاگردانه بر دستان پر مهرشان بوسه می‌زنم.

چکیده

خواجه حسین بن غیاث‌الدین محمد مشهدی، مشهور به ثنایی، یکی از شعرای فارسی زبان قرن دهم هجری است. در اغلب تذکره‌های فارسی بعد از ثنایی نمونه‌هایی از شعر وی ذکر شده، اما اربابان تذکره کمتر به زندگی او پرداخته‌اند، از اینرو از زندگی و حال و کار شاعری خواجه حسین اطلاع چندانی نداریم. اندک اطلاع ما در این زمینه بیشتر برگرفته از مقدمه‌ی کوتاه منثوری است که ثنایی خود در ابتدای دیوانش آورده است. به هر روی، احتمالاً او در سالهای آغازین ربع دوم قرن دهم به دنیا آمده است. از دوران کودکی و جوانی اش اطلاعی نداریم؛ فقط نقل شده است که در جوانی قریحه‌ی شاعری داشته است، اما شعر نمی‌سروده و بعدها بر اثر دیدن رؤیایی به شاعری روی آورده است. سپس، به دربار سلطان ابراهیم میرزا، پسر بهرام میرزای صفوی رفته و سالها ملازم او بوده است، پس از کشته شدن او ثنایی به دربار شاه اسماعیل دوم می‌پیوندد و گویی شاعر مورد غضب شاه واقع می‌شود و از بیم جان به هند می‌گریزد، در هند به دربار اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ.ق.) راه می‌یابد و در همین دوران است که از حمایت‌های حکیم ابوالفتح مسیح گیلانی برخوردار می‌گردد و آوازه‌ی او در هند فراگیر می‌شود. هر چند ثنایی از شعرای برجسته شعر فارسی نیست، شعر او در دوران خودش و پس از آن با اقبال عمومی روبرو می‌گردد، سرانجام ثنایی در یکی از سالهای پایانی قرن دهم (احتمالاً ۹۹۶ هـ.ق.) در لاهور رخت از جهان می‌بندد و در همانجا به خاک سپرده می‌شود که پس از مدتی پسر دایی وی جسد او را به مشهد انتقال می‌دهد. دستنوشته‌های خطی فراوانی از دیوان ثنایی مشهدی در کتابخانه‌های ایران و دیگر کشورها وجود دارد. از آنجا که ثنایی یکی از مؤثرترین شعرای دوره‌ی خود در پایه‌گذاری سبک هندی است، تصحیح دیوان او ضروری می‌نمود، ما در این پژوهش با تکیه بر هفت دستنویس خطی، به تصحیح و مقابله‌ی دیوان خواجه حسین ثنایی بر پایه‌ی اصول تصحیح انتقادی پرداخته‌ایم. نسخه اساس ما نسخه‌ی شماره‌ی ۲۳۹۰ کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی است که تاریخ کتابت ۱۰۰۶ هـ.ق. را دارا می‌باشد و از شش نسخه‌ی دیگر به عنوان نسخه بدل استفاده کردیم که عبارتند از: نسخه‌های شماره‌ی ۳۷۵ و ۲۸۴ مدرسه‌ی عالی شهید مطهری (سپهسالار)، نسخه‌ی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران به شماره‌ی ۷۹۲۷، نسخه‌ی شماره‌ی ۱۳۵۱۰ مجلس شورای اسلامی، نسخه‌ی کتابخانه‌ی بودلین آکسفورد به شماره‌ی Msouseley 22 و همچنین، نسخه‌ی کتابخانه‌ی پاریس که میکروفیلم‌های آنها به ترتیب به شماره‌های ۱۰۲۸ و ۱۳۲۲ در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

فهرست مطالب

فصل اول:

مقدمه	هفده
۱. اوضاع سیاسی، اجتماعی و ادبی زمانه‌ی شاعر	نوزده
۱.۱. ایران	نوزده
۲.۱. هند	بیست و یک
۲. زندگی‌نامه	بیست و دو
۱.۲. نام و نشان و زندگی	بیست و دو
۲.۲. معاصران	بیست و سه
۳.۲. ممدوحان	بیست و چهار
۴.۲. مرگ	سی
۳. آثار	سی و یک
۴. شعر	سی و دو
۱.۴. سبک شعر	سی و سه
۱.۱.۴. ویژگی‌های زبانی	سی و سه
۱.۱.۴. حوزه واژگانی	سی و سه
۱.۱.۴. واژه‌های جدید	سی و سه
۲.۱.۴. واژه‌سازی	سی و چهار
۱.۲.۴. اشتقاق	سی و چهار
۲.۲.۴. ترکیبات خاص	سی و چهار
۳.۱.۴. تغییر وزنی واژه	سی و شش
۴.۱.۴. واژگان عربی	سی و شش
۵.۱.۴. اصطلاحات عرفانی	سی و هفت
۶.۱.۴. تنوع	سی و هشت
۷.۱.۴. مترادفات	سی و هشت
۲.۱.۴. حوزه‌ی صرف	سی و هشت
۱.۲.۴. کهن‌گرایی دستوری	سی و هشت
۲.۲.۴. غلط‌های دستوری	سی و هشت
۳.۱.۴. نحو	سی و نه
۱.۳.۴. ایجاز حذف	سی و نه

- ۲،۳،۱،۱،۴. اغراض ثانوی جمله سی و نه
- ۱،۲،۳،۱،۱،۴. پرسشی سی و نه
- ۲،۲،۳،۱،۱،۴. خبری سی و نه
- ۳،۲،۳،۱،۱،۴. نهی چهل
- ۴،۲،۳،۱،۱،۴. امری چهل
- ۲،۱،۴. ویژگی‌های ادبی چهل و یک
- ۱،۲،۱،۴. استعاره چهل و یک
- ۱،۱،۲،۱،۴. مصرحه چهل و یک
- ۲،۱،۲،۱،۴. مکنیه چهل و دو
- ۲،۲،۱،۴. تشبیه چهل و دو
- ۱،۲،۲،۱،۴. اضافی تشبیهی چهل و دو
- ۱،۱،۲،۲،۱،۴. معقول به محسوس چهل و دو
- ۲،۱،۲،۲،۱،۴. محسوس به محسوس چهل و سه
- ۲،۲،۲،۱،۴. اضافی تلمیحی و نمادین چهل و سه
- ۳،۲،۲،۱،۴. تشبیه مرکب چهل و سه
- ۴،۲،۲،۱،۴. تشبیه تفضیل و مضمیر چهل و چهار
- ۵،۲،۲،۱،۴. تشبیه مشروط چهل و چهار
- ۳،۲،۱،۴. تصویرهای پارادوکسی چهل و چهار
- ۴،۲،۱،۴. تلمیح چهل و چهار
- ۱،۴،۲،۱،۴. اشاره به آیات قرآنی چهل و چهار
- ۲،۴،۲،۱،۴. داستان‌های قرآنی چهل و پنج
- ۳،۴،۲،۱،۴. داستان‌های غیر ایرانی چهل و شش
- ۴،۴،۲،۱،۴. شخصیت‌ها و اسطوره‌های ایرانی چهل و هفت
- ۵،۲،۱،۴. تناسب چهل و هشت
- ۶،۲،۱،۴. کنایه چهل و هشت
- ۱،۶،۲،۱،۴. کنایه از موصوف چهل و هشت
- ۲،۶،۲،۱،۴. کنایه از فعل چهل و هشت
- ۷،۲،۱،۴. مجاز چهل و نه
- ۸،۲،۱،۴. مضمون‌یابی چهل و نه
- ۹،۲،۱،۴. خودستایی پنجاه و یک

- ۱۰،۲،۱،۴. ثنایی و دیگر شاعران پنجاه و دو
- ۱،۱۰،۲،۱،۴. تفاخر پنجاه و دو
- ۲،۱۰،۲،۱،۴. اقتباس پنجاه و سه
- ۳،۱۰،۲،۱،۴. استقبال پنجاه و چهار
- ۱۱،۲،۱،۴. موسیقی پنجاه و چهار
- ۱،۱۱،۲،۱،۴. بیرونی پنجاه و چهار
- ۲،۱۱،۲،۱،۴. کناری پنجاه و پنج
- ۳،۱۱،۲،۱،۴. معنوی پنجاه و هشت
- ۱،۳،۱۱،۲،۱،۴. جناس پنجاه و هشت
- ۲،۳،۱۱،۲،۱،۴. حسن تعلیل پنجاه و نه
- ۳،۳،۱۱،۲،۱،۴. تضاد پنجاه و نه
- ۳،۱،۴. ویژگی‌های فکری پنجاه و نه
- ۱،۳،۱،۴. مذهب پنجاه و نه
- ۲،۳،۱،۴. نگرش به جهان شصت
- ۳،۳،۱،۳. دانش‌ها شصت
- ۴،۳،۱،۴. باورهای اسطوره‌ای، کهن و عامیانه شصت و یک
۵. معرفی و ارزیابی نسخ شصت و سه
- ۱،۵. نسخ خطی مورد استفاده در تصحیح اشعار ثنایی مشهدی شصت و سه
- ۲،۵. سایر نسخ خطی موجود اشعار ثنایی مشهدی شصت و چهار
- ۱،۲،۵. نسخه‌های دیوان شصت و چهار
- ۲،۲،۵. اسکندرنامه شصت و پنج
- ۳،۲،۵. ساقی‌نامه شصت و پنج
- ۴،۲،۵. منشآت شصت و شش
- ۵،۲،۴. اشعار پراکنده شصت و شش
۶. روش کار و شیوه‌ی تصحیح شصت و نه
- یادداشت‌ها هفتاد و یک
- فصل دوم :
- کلیات اشعار ۱
- ۱-۲. قصاید ۲-۳
- ۲-۲. غزلیات ۲-۹

۱۸۹	۳-۲	مقطعات
۲۱۷	۴-۲	ترکیب‌بند
۲۳۳	۵-۲	رباعیات
۲۵۱	۶-۲	اشعار ناتمام
۲۶۱	۷-۲	ساقی‌نامه
۲۷۳	۸-۲	اسکندرنامه
۳۱۳	۹-۲	تعلیقات

فصل سوم :

۳۲۵	فهرست‌ها
۳۲۷	۱-۳ آیات
۳۳۱	۲-۳ ترکیبات و صور خیال
۳۷۷	۳-۳ اعلام
۳۹۵	کتابنامه

فصل اول

مقدمه

۱. اوضاع سیاسی، اجتماعی و ادبی زمانه‌ی شاعر

۱.۱. ایران

بخش عمده‌ی زندگی ثنایی در ایران، در زمان پادشاهی شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴)، دومین شاه سلسله‌ی صفوی است. او که فرزند ارشد شاه اسماعیل صفوی بود، در ده سالگی به تخت شاهی نشست. نزاع‌های داخلی در این زمان بالا گرفت و موجب تضعیف توان نظامی ایران برای مقابله با دشمن شرقی و غربی، ازبکان و عثمانی‌ها، شد؛ ازبکان پنج بار به ایران حمله کردند و سه بار نبرد میان سپاه ایران و عثمانی در گرفت. در نتیجه، شاه پایتخت را در سال ۹۵۵ ه.ق. به قزوین منتقل کرد؛ قزوین حدود نیم قرن پایتخت بود تا اینکه سرانجام اصفهان به پایتختی برگزیده شد (رویمر، ۱۳۸۷: ۵۰-۶۰).

یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در تاریخ ادبی این دوره و مرتبط با ثنایی، برادرزاده‌ی شاه طهماسب، ابراهیم میرزا است. او به سبب استعدادی که داشت، مورد توجه شاه طهماسب قرار گرفت، با وجود سن کم در همه‌ی کارهای دربار مداخله می‌کرد و پس از شرکت در نبرد با عثمانی‌ها، در سال ۹۶۲ ه.ق. به حکومت مشهد منصوب شد؛ در مدت حکومتش در مشهد، پذیرای همه‌ی هنرمندان بود و کتابخانه‌ای با حدود چهار هزار جلد گردآورده بود. او به فارسی و ترکی شعر می‌سرود و «جاهی» تخلص می‌کرد (منشی قمی، ۱۳۵۹-۱۳۶۳: ۱۱۱-۱۱۴). در سال ۹۷۱ ه.ق. مصادف با چهلیمین سال پادشاهی شاه طهماسب، به مدت یک سال و اندی حاکم قاین شد (روملو، ۱۳۵۷: ج ۱۲، ۵۴۴). در حدود ۹۷۳ ه.ق. به مدت شش سال حاکم سبزوار شد و سپس، به عنوان مشاور در دربار شاه خدمت کرد.

شاه طهماسب در حالی که برای خود جانشینی معین نکرده بود و حتی قاعده و قانونی هم برای این امر وجود نداشت، در سال ۹۸۴ ه.ق. پس از پنجاه و دو سال پادشاهی درگذشت (رویمر، ۱۳۸۷: ۶۳-۶۴). با درگذشت شاه نزاع بر سر جانشینی او در گرفت؛ شاهزاده حیدر که خود را جانشین شاه می‌دانست، به دست مخالفان به قتل رسید. سپس برادرش به عنوان اسماعیل دوم به مدت هجده ماه پادشاهی کرد و توانست نظم و ترتیبی را که در هشت سال پایانی پادشاهی پدرش از هم پاشیده بود، به ایران بازگرداند. یکی از اقدامات اجتماعی-مذهبی او بازگرداندن مذهب تسنن است (رویمر، ۱۳۸۷: ۶۷-۶۹). شاه اسماعیل دوم که می‌دانست ابراهیم میرزا از ارکان حکومت است، او را نزد خود نگه داشت. اما دیری نپایید که دستور قتل او را مانند دیگر شاهزادگان صفوی صادر کرد. ثنایی پس از مرگ وی به قزوین، به دربار شاه اسماعیل دوم رفت، اما مورد خشم او قرار گرفت و ایران را به مقصد هند ترک گفت.

سرانجام شاه اسماعیل دوم در سال ۹۸۵ ه.ق. به طرز مشکوک و رازآمیزی به قتل رسید. تاریخ ادبیات این دوره در زمره‌ی دوره‌های طلایی شمرده نمی‌شود. نخست به این دلیل که از زمان

هجوم مغولان به ایران، بسیاری از ادیبان و دانشمندان ایران را ترک کرده، در هند ساکن شدند. علت دوم تعصب مذهبی شاهان صفوی است که موجب شد تفکر و آزادی اندیشه معطل ماند (صفا، ۱۳۸۷: ۵۳۵). اگرچه شعر این دوره از نظر کمیت از دوره‌های دیگر برتر است، از نظر کیفیت بیانگرافت و عقب‌افتادگی است (یارشاطر، ۱۳۸۷: ۵۶۵). در این دوره به جز در اشعار چند شاعر، شعری که هم از نظر لفظ قوی باشد و هم از نظر معنا، یافت نمی‌شود و آن به دو دلیل عمده است: نخست اینکه شاعران این دوره برخلاف شاعران سامانی، غزنوی و سلجوقی، بنابر شرایط اجتماعی، از تعلیم و تربیت مناسب هنری برخوردار نبودند. دلیل دیگر عدم حمایت شاعران از جانب دربار است که از دوره‌ی تیموری آغاز شده بود و موجب شد شاعر به سمت عوام‌الناس کشیده شود (صفا، ۱۳۸۷: ۵۳۸).

از نکات برجسته‌ی این دوره، رواج زبان و ادبیات فارسی در بیرون از مرزهای ایران است (یارشاطر، ۱۳۸۷: ۵۶۲). چنانکه ذکر شد، به دلیل شرایط اجتماعی و سیاسی، شاعران بسیاری به هند مهاجرت کردند و این کشور بزرگترین کانون شعر فارسی شد، به گونه‌ای که در دربار اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱۴/۱۵۵۴-۱۶۰۵) پنجاه و یک (۵۱) شاعر ایرانی به سر می‌بردند.

رواج زبان و ادبیات فارسی بیرون از مرزهای ایران هم این حسن را در پی داشت که موضوعات و باورهای نوی را وارد ادبیات کرده و هم این عیب را موجب شد که تصنع‌ها و پیچیدگی‌هایی، از آنجا که زبان زنده و محاوره‌ای مردم آن مناطق نبود، وارد شعر فارسی شد (صفا، ۱۳۸۷: ۵۳۹-۵۴۰).

سیاست مذهبی که شاهان صفوی در پیش گرفته بودند، موجب شد که مرثیه‌سرایی و نوحه‌پردازی و مدح ائمه وارد شعر فارسی شود؛ شاعری که در این نوع شعر بر دیگران برتری دارد و صاحب ابتکار است، محتشم کاشانی (وفات ۹۹۶/۱۵۸۷-۱۵۸۸) است (همان: ۵۳۹-۵۴۰).

سبک هندی از تحول سبک عراقی پدید آمد و نخستین نشانه‌های آن در پایان دوره‌ی تیموریان آشکار شد، اما در دوره‌ی صفوی توانست تکامل یابد و شاعران مطرح بسیاری را معرفی کند (همان: ۵۴۰). این سبک در مناطق همسایه‌ی ایران: ترکیه‌ی عثمانی، عراق، فرارودان (ماوراءالنهر)، افغانستان و به ویژه هند، حتی پس از رواج افتادن آن در ایران رواج داشته است (یارشاطر ۱۳۸۷: ۵۵۰).

شاعران سبک هندی در درجه‌ی اول به ساده‌گویی و در عین حال نکته‌سنجی و خیال‌پردازی و مضمون‌پردازی توجه داشتند. اما اصرار بیش از حد به تازه‌گویی و آوردن مضمون‌های زیبا، به تدریج موجب شد که خواننده چیزی از گفته‌های شاعر را درنیابد و پیامی از آن دریافت نکند (صفا، ۱۳۸۷: ۵۴۰-۵۴۱).